

# پاسخ ما به تهدیدات اتمی

## فرهاد عرفانی - مزدک

آقای اوباما، در طرح جدید دکترین اتمی ایالات متحده آمریکا، غیر مستقیم ایران را به حمله اتمی تهدید کرد! دقت کنید که گفتم ایران را تهدید کرد، و نه حکومت ایران را! چرا که در یک تعرض اتمی، این حکومت ایران نیست که آسیب می بیند، بلکه مردم ایران و سرزمین ایران است که مورد تهاجم قرار می گیرد. بر این اساس، این تهدید، اگر چه به بهانه عملکرد جمهوری اسلامی صورت می پذیرد، اما در واقع تهدیدی علیه ملت ایران است.

در نگاه اول، این تهدید، می تواند در چهارچوب یک جنگ روانی تحلیل شود، اما در واقعیت، حکایت از آمادگی آمریکا و متحدین، برای استفاده از سلاحهای نامتعارف، در جنگهای متعارف دارد، چیزی که پیش از این، در ظاهر هم که شده، نفی می شد!

در این تردیدی نیست که آمریکا و دیگر کشورهای استعمارگر، همواره این آمادگی و انگیزه را دارند که از سلاحهای کشتار جمعی، علیه بشریت استفاده کنند، اما آنها همزمان خوب میدانند که این معادله، معادله ای دو سویه است و می تواند برای آنها نیز مشکلاتی به همراه داشته باشد، بخصوص در مورد تهاجم به کشوری مانند ایران!

آیا آمریکا یا هم پیمانانش ایران را مورد حمله قرار خواهند داد؟

این پرسشی است که پیش از این و در سالهای گذشته، نگارنده به آن پاسخ داده است. این قلم معتقد است که امکان چنین حرکتی، بسیار ضعیف است. به این دلیل ساده که با محاسبه سود و زیان آن، جهان سرمایه داری به این نتیجه منطقی می رسد که زیان چنین عملی بسیار بیشتر از سود آنست! هر گونه تهاجمی به شکل یک حمله کلاسیک اتمی، منجر به تلاطمات عظیم در اقتصاد جهانی، موقعیت جغرافیایی - سیاسی کشورها و همچنین فراروئی قدرتهای جدید خواهد شد، که هیچکدام از این وقایع، مطلوب نظام سلطه فعلی نیست. اما بنظر می رسد، آنچه مورد نظر دکترین نوین آمریکاست، تهاجمات موردی، مقطعی، محدود و با قدرت کم باشد. اگر چنین چیزی مورد نظر استراتژیهای آمریکایی - اروپایی باشد، باید گفت آنها مانند همیشه در یک خطای راهبردی بسر می برند! برای حکومتهایی مانند جمهوری اسلامی، تفاوتی نمی کند که یک شهر با چند میلیون سکنه مورد هدف قرار گیرد، یا یک منطقه نظامی، و یا یک مرکز تولید سوخت هسته ای، واکنش آنها در هر شرائطی یکسان است! « این » تهاجم، بهترین بهانه برای ماجراجویی های بزرگ خواهد بود. ماجراجویی هایی که بقای چنین حکومتهایی را تضمین خواهد کرد و گستره نفوذ آنها را گسترش خواهد داد.

### نگاه ایران به تهدید اتمی، چگونه نگاهی است؟

برای پاسخ به پرسش فوق، ابتدا باید توان بالقوه و بالفعل نظامی ایران را سنجید. در وهله اول، باید در نظر داشت که ایران، اکنون، همه امکانات بالقوه برای تبدیل شدن به یک قدرت اتمی را در اختیار دارد و هر زمان که اراده کند، بفاصله زمانی کوتاهی قادر خواهد بود، موشکهای خود را به کلاهی هسته ای، مسلح کند. هر گونه حمله اتمی، بهترین انگیزه و بهترین زمینه، در اقدام به چنین عملی است و اگر غرب تصور می کند که ایران اقدام به اینکار نخواهد کرد، سخت در اشتباه است و این تصور نشان می دهد که آنها برداشت درستی از وضعیت فعلی ندارند!

راهبرد ایران در برابر یک تهاجم اتمی اما، یک حمله متقابل اتمی نیست، بلکه تهاجم به امکانات

هسته ای طرف مقابل است! به زبان دیگر، نیروهای موشکی و هوایی ایران، بجای اینکه مسلح به

نیروی هسته ای شوند، مراکز تولید سلاحهای اتمی، انبارهای ذخیره سلاحهای هسته ای و شیمیایی

و میکربی، سامانه های حمل و پرتاب، ناوها و زیردریایی های اتمی، و در نهایت، مراکز تولید

انرژی هسته ای دشمن را هدف تهاجم موشکی قرار خواهند داد!

به زبان دیگر، دشمن را بوسیله توان هسته ای خود او، نابود خواهند کرد. از این منظر، امکانات

هسته ای دشمنان ایران، به بزرگترین و مؤثرترین سلاح راهبردی نیروهای مسلح ایران و

بزرگترین خطر برای کشورهای دارنده این سلاحها تبدیل خواهد شد. در حال حاضر، نیروهای مسلح

ایران، با در اختیار داشتن یکی از سریع ترین موشکهای زیر سطحی جهان و همچنین موشکهای

رادار گریز سطح به سطح، تمامی ناوها و زیر دریایی های اتمی کشورهای غربی و اسرائیل را از

خلیج فارس تا دریای پارس ( دریای عمان؟! ) و اقیانوس هند، در تیررس دارند، و با استفاده از

زیر دریایی های سبک جدیداً تولید شده، قادرند شعاع عملیاتی خود را گسترش بیشتر نیز بدهند.

ضمن اینکه موشکهای برد متوسط و بلند ایران نیز قادرند مراکز ثابت و سطحی و بر روی خشکی

را تا شعاع بیش از دوهزار کیلومتر هدف قرار دهند. هم اکنون، ایران بصورت بالقوه، این امکان را

نیز در اختیار دارد که برد اینگونه موشکها را افزایش دهد، که در صورت ضرورت قطعاً اینکار را

انجام خواهد داد!

علاوه بر همه آنچه ذکر شد، تهاجم به نقاط ضعف راهبردی غرب نیز، در دکترین دفاعی ایران،

جایگاه ویژه ای دارد. اصلی ترین نقطه ضعف غرب، موقعیت اقتصادی آن است. بر این اساس در

تقابل با یک حمله اتمی، غیر از موارد فوق الذکر، محروم کردن این کشورها از منابع تولید و بازار

خاورمیانه در دستور کار قرار خواهد گرفت و در اولین اقدام، از ادامه جریان صدور نفت و گاز و

دیگر منابع زیرزمینی به سمت غرب جلوگیری خواهد شد. این واقعیتی است که اگر ایران اراده

کند، با توجه به موقعیت ژئو استراتژیک خود، می تواند غرب را به دردهای بسیار جدی

بیاندازد!

**چشم انداز آینده!**

از نظر نگارنده این سطور، تهدید اتمی ایران، در حال حاضر، تهدیدی توخالی است و آمریکایی ها و اسرائیلیها، نه انگیزه جدی چنین کاری را دارند و نه توان تحمل عواقب آنرا! این تهدید، صرفاً بجهت تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی برای همکاری بیشتر با غرب در طرح خاورمیانه نوین است. مشکل غرب هم با ایران، نه توان یا امکان بالقوه تولید سلاح هسته ای، بلکه پیشرفت سریع ایران در حوزه های مختلف است، که می تواند در آینده ای نچندان دور، ایران را به مانعی جدی بر سر راه طرح خاورمیانه بزرگ تبدیل کند. پیشرفتهایی که نتیجه کار و تلاش دانشمندان ایرانی است و ربطی به باند حاکم بر این ندارد!

آمریکا و غرب، تحمل بوجود آمدن یک قدرت منطقه ای جدید که بر منابع خام و بازارهای منطقه مسلط شود را ندارند و این موضوع را بر خلاف منافع راهبردی خود می دانند. آنها می دانند که دیر یا زود، جمهوری اسلامی رفتنی است اما ملت ایران با توجه به وسعت سرزمینی، ثروت ملی، ذخیره انسانی و توان علمی، به سرعت، به قدرتی بزرگ تبدیل خواهد شد. در واقع، این چشم انداز است که همانند صد سال گذشته و بیش از همیشه، غرب را نگران کرده است و علت لاس زدن آنها با جمهوری اسلامی هم نهفته در همین نکته اساسی است که انگلیسها چندی پیش، رسماً اعلام کردند؛ یعنی اینکه: « ما خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی نیستیم، بلکه خواهان تغییر در رفتار این رژیم هستیم! ». این نکته، بخوبی بیانگر این موضوع است که مشکل غرب، نه با جمهوری

اسلامی و نه با توان بالقوه هسته ای، بلکه با پیشرفت ملت ایران و سر بلند کردن ایرانی است!

تولیدات فرهنگی هالیوود نیز بر علیه هویت تاریخی ایرانیان مؤید این نظر است. ضمن اینکه

تحركات شديد و گسترده آنها در حمايت از اقليتهای قومی و طرحهای تجزیه طلبانه و تلاش در جهت فروپاشی وحدت ملی در ایران، نظر فوق را بشدت تقويت می کند! از همین روست که روشنفکران و رهبران سیاسی ایران باید هوشیار باشند و فریب جنگهای زرگری را نخورند. هدف غرب، بسیار فراتر از بزیر کشیدن رژیمي همچون جمهوری اسلامی است. این نظام، عملاً در خدمت آنهاست!

هدف راهبردی آنها نابودی و فروپاشی ایران است و اینکار را نه از طریق

حمله هسته ای، بلکه از طریق فروپاشی هویت ملی، پیگیری می کنند.

با نگاهی به فعالیتهای سرویسهای جاسوسی غرب و اسرائیل در حوزه مسائل فرهنگی و جغرافیائی ایران، بخصوص در مناطق آذربایجان، سیستان بلوچستان، خوزستان و کردستان، از طریق گروههای قومگرا و تجزیه طلب، رادیو - تلویزیونهای ماهواره ای، اینترنت، روزنامه ها و نشریات، و تولید فیلم و کتاب و دخالت کشورهای همسایه و ادعاهای ارضی و یا تحریک مردم مناطق قومی توسط این کشورها، بخوبی می توان ادعای فوق را به اثبات رساند. درست بهمین دلیل است که میهن دوستان ایرانی و رهبران راستین و دلسوز مردم ایران، نباید وقت و اندیشه خود را مصروف مسائل جزئی و یا درگیریهائی که برای انحراف افکار عمومی ایجاد می شود، نمایند. آنها باید راهبردی بیانديشند و در فکر ارائه طرح و برنامه برای برونرفت از وضعیت فعلی باشند.

وعدۀ ما به سردمداران غرب و آقای اوباما!

امروز دیگر مثل روز روشن است که تولد جمهوری اسلامی، محصول کنار آمدن و توافق و معامله سران مذهبی و روحانیت ایران با غرب و آمریکا در مقطع بهمن پنجاه و هفت بوده است. معامله ای که هر دو طرف در طی سی و یکسال گذشته از آن، بخوبی منتفع شده اند. اما حساب ملت ایران از حساب استعمار و حکومت اسلامی جداست. این مردم، در جهت عدالت، آزادی و سر بلندی ایران و

ایرانی، به تلاش خود ادامه خواهند داد و به هیچ بیگانه و عامل بیگانه ای، نه اکنون و نه در آینده، باج نخواهند داد. بگذارید جمهوری اسلامی، بدلیل ناتوانی اش در برابر غرب، شرعاً؟! تولید سلاح اتمی را حرام اعلام کند! اما مردم ایران به سران غرب و استعمار این وعده را می دهند که این مملکت را به برترین قدرت اتمی جهان تبدیل کنند! نه تنها به این دلیل که توان و اراده و لیاقت آنرا دارند، بلکه خیلی بیش از آن، به این دلیل که دیگر حاضر نیستند به هر جماعت بی فرهنگ و چپاولگری باج بدهند! مورد تجاوز قرار گیرند و تحقیر شوند و مجبور باشند در زیر سلطه یک مشت اوباش مزدور بیگانه زندگی کنند.

دستیابی به برترین توان نظامی و تسلیحاتی، حق مسلم ملتی است که هزاران سال است در معرض تجاوز و تهاجم و ویرانی و تحقیر و نابودی قرار دارد و می خواهد نقطه پایانی بر اینهمه رنج و حرمان بگذارد.

ملت ایران، با فرهنگ ترین و صلح طلب ترین ملت جهان است! اینرا تاریخ طولانی او گواهی می دهد. ملت ایران، همواره به همه ملتها و مردمان در هر کجای جهان، به دیده احترام نگریسته است و بنیانگذار اولین منشور حقوق بشر است. اما از این پس اجازه نخواهد داد از انسانیت، متانت و بزرگ منشی وی، سوءاستفاده شده، مورد تحقیر قرار گیرد.

حرف آخر ما با استعمار و جناب اوباما و رؤسای جمهوری آینده آمریکا اینست؛ این ملت ایران است که سرنوشت خود را، بر اساس مصالح خود، رقم خواهد زد و هیچ ترفندی از جانب شما و نوکرانتان قادر نیست در برابر اراده این ملت، برای رسیدن به اهدافش مانع ایجاد کند. ما اراده کرده ایم که ایرانی آزاد، آباد و سربلند داشته باشیم و به این اراده خود، جامه عمل خواهیم پوشاند!

[www.maghalatemazdak.blogspot.com](http://www.maghalatemazdak.blogspot.com)

1389.1.24